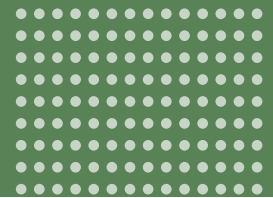

شاغلان نامرئی در اقتصاد ایران

کار غیررسمی زنان و چشم‌انداز تغییر

پژوهش نگار / شماره دو / آبان ۱۴۰۴

درنگ



یکی از چالش‌های سامان‌دهی به اقتصاد در تمامی کشورهای دنیا، غیررسمی بودن بخشی از اقتصاد ملی است. اقتصاد غیررسمی در سایه و پنهانی فعالیت می‌کند، و بنابراین کیفیت محصولات، روابط کار، و محیط کار در آن از چشم قاعده‌گذاران و ناظران پنهان می‌ماند: کالاهای غیراستاندارد و ناسالم تولید می‌شود؛ محیط کار غیراستاندارد به کارگران آسیب می‌زند؛ کار اجباری و کار غیرعادلانه رواج می‌یابد؛ حق بیمه و مالیات پرداخته نمی‌شود و...

گروهی فکر می‌کنند که اگر دولت‌ها کاری به کار اقتصاد نداشته باشند، اوضاع بهتر می‌شود. وقتی مدام بازرسی‌ها سراغ کارگاه‌ها نروند تا از آن‌ها مالیات و حق بیمه بگیرند، مجبورشان کنند محیط کار را ایمن‌سازی کنند و ...، آن موقع بازار بهتر و راحت‌تر کار می‌کند.

گروه دوم نظر دیگری دارند. از دید آن‌ها این بی‌قاعدگی پیامدهای آسیب‌زایی دارد: ۱- ملاک و معیار فقط پول و سود خواهد بود (استانداردهای سلامت کالا، ایمنی کارگران و حقوق کارگران فدای سود بیشتر صاحبان کارگاه‌ها می‌شود)؛ ۲- امکان اعمال مجرمانه بیشتر می‌شود (مشخص نیست چه کالاهایی تولید شود، کار کودک رواج می‌یابد، کار کم‌دستمزد نیز)؛ ۳- گروه‌های کم‌قدرت‌تر که نمی‌توانند از حقوق خود دفاع کنند، مورد ستم قرار می‌گیرند کارگران ناچارند به کار دارای دستمزد بسیار ناعادلانه تن بدهند)؛ ۴- هم ادامه یافتن سیاست‌های لایه حمایتی نظام تأمین اجتماعی و هم ادامه یافتن سیاست‌های لایه بیمه‌ای، مشروط به رسمی‌تر شدن اقتصاد است: برای تداوم فعالیت، لایه حمایتی به دریافت مالیات و لایه بیمه‌ای به دریافت حق بیمه نیازمندند.

شما با نظر کدام گروه موافق‌اید؟

مسئله

در هیاهوی کوچه‌پس‌کوچه‌های شهرها و سکوت خانه‌ها، ارتشی بزرگ اما نامرئی در حال فعالیت اقتصادی است: زنانی که چرخ اقتصاد غیررسمی ایران را می‌چرخانند. زنانی که در قطارهای مترو، کارگاه‌های کوچک، رستوران‌ها، یا در خانه‌ها به عنوان پرستار کودک و سالمند، بی‌صدا و خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کنند. آمارها تنها بخشی از این واقعیت را به ما نشان می‌دهند: از حدود ۳.۶ میلیون زن شاغل در کشور، بیش از ۲ میلیون نفر، یعنی نزدیک به ۵۷ درصد، در این بخش غیررسمی مشغول به کارند:



شاغلان نامرئی در اقتصاد ایران

برای همه گروه‌های اجتماعی کار کردن در بخش غیررسمی دشوارتر از بخش رسمی است، چون در بخش غیررسمی معمولاً خبری از این موارد نیست: تعیین حداقل دستمزد (کار با مزد بسیار کم)، استانداردهای محیط کار (کارگران در معرض انواع آلودگی‌ها و ریسک‌های حادثه و... قرار می‌گیرند)، بیمه کردن اجباری کارگر به‌دست کارفرما (کارگر هم‌اکنون از بیمه درمان، غرامت ایام بیماری و در آینده از مستمری محروم می‌شود)، و معمولاً بسیاری از امکانات دیگر مانند مرخصی و عیدی و تسهیلات محل کار هم وجود ندارند. اما کار در بخش غیررسمی، برای زنان دشوارتر است، زیرا از نیروی اجتماعی کمتری برخوردارند. آن‌ها حتی در فضای رسمی کار نیز از نابرابری و تبعیض‌های گوناگونی رنج می‌برند، چه رسد به فضای غیررسمی. با این حال به‌رغم اینکه پژوهش‌های بسیاری درباره اقتصاد غیررسمی ایران انجام شده است، درخصوص وضعیت زنان در این عرصه خلأ پژوهشی وجود دارد که امکان سیاست‌گذاری سنجیده را کاهش می‌دهد.

زنان شاغل در بخش غیررسمی، با وجود تلاش برای ایستادن روی پای خودشان، در مسیری فرسایشی و بدون چتر حمایتی گام برمی‌دارند. مسئله پژوهشی که این بار معرفی‌اش می‌کنیم، روشن کردن وضعیت زندگی این زنان، روایت کردن رنج‌ها و امیدهایشان، و البته ارائه یک نقشه راه سیاستی برای تغییر است؛ تغییری که می‌تواند این ارتش نامرئی را به نیرویی قدرتمند و مرئی برای توسعه کشور تبدیل کند.

این پژوهش را «زینب مرادی‌نژاد» در سال ۱۴۰۳ با عنوان «بررسی وضعیت مرتبط با فعالیت‌های شغلی زنان در بخش غیر رسمی» به سفارش مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام داده است.

یافته‌ها

۱. ترکیب جنسیتی اقتصاد کشور

در دهه‌های اخیر بخش رسمی اقتصاد کشور مردانه‌تر و بخش غیررسمی آن زنانه‌تر شده است؛ به عبارت دیگر در عرصه رسمی نرخ مشارکت اقتصادی زنان نسبت به مردان کمتر است، اما در عرصه غیررسمی شرایط وارونه است.

۲. خلأ حمایت اجتماعی

زنانی که در این فضای اجتماعی پرآسیب برای معاش تلاش می‌کنند، خود را «مستقل، اما فرسوده و بدون حامی» می‌دانند. این دقیقاً همان وضعیتی است که سیستم‌های تأمین اجتماعی می‌خواهند مانع آن شوند: وضعیتی که فرد حس کند اگر دچار بیکاری، بیماری و... شد، دیگر درآمدهش قطع خواهد شد؛ امنیت درآمدی ندارد، امنیت سلامتی ندارد؛ مستقل هست اما کسی حامی او نیست.

۳. خواسته و ناخواسته

دلیل گام‌نهادن زنان به این مسیر هم غیراختیاری و ناشی از افتادن در دامی به نام «تله محرومیت چندگانه» بوده است و هم اختیاری و ناشی از «میل به استقلال».

۴. تله محرومیت چندگانه

این تله چهار دیوار بلند دارد:

■ دیوار فقر (فقدان سرمایه اقتصادی): داستان‌هایشان تکان‌دهنده است. یکی می‌گوید:

«همسرم از بلندی افتاد و زمین‌گیر شد. اگر من کار نکنم، نانی برای خوردن نداریم. مجبورم». دیگری روایت می‌کند: «درآمد شوهرم کفاف زندگی را نمی‌دهد. باید برای دخترم جهیزیه تهیه کنم. از سر بدبختی تن به این کار دادم».

بیکاری همسر، گرانی، سرپرست خانوار بودن و نداشتن سرمایه اولیه برای شروع یک کار مناسب، اصلی‌ترین دلایلی است که آن‌ها را به این مشاغل ساده و در دسترس می‌کشاند.

■ **دیوار تنهایی (فقدان سرمایه اجتماعی):** بسیاری از آن‌ها از نداشتن «پارتنی» یا آشنایی که راه را برایشان هموار کند، گله دارند. این ناتوانی از یافتن واسطه‌ها و رابط‌هایی که در فضای رانتی‌شده اشتغال رسمی برایشان کاری دست‌وپا کند، آن‌ها را به سمت مشاغلی می‌برد که به تنهایی و بدون نیاز به حمایت دیگران بتوانند انجام دهند.

■ **دیوار بی‌مهارتی (فقدان سرمایه مهارتی):** یکی از زنان می‌گوید: «خانواده‌ام آن‌قدر فقیر بود که پولی برای کلاس رفتن و مهارت یاد گرفتن نداشتیم. از وقتی هم وارد این کار شدم، دیگر وقتی برایش ندارم».

نداشتن مهارت‌های تخصصی، آن‌ها را از بازار کار رسمی دور می‌کند و گزینه‌ای جز مشاغل یدی و خدماتی پیش رویشان باقی نمی‌گذارد.

■ **دیوار بی‌خبری (فقدان سرمایه حقوقی):** اغلب این زنان از حقوق اولیه خود مانند بیمه، مرخصی و مزایای قانونی بی‌خبرند. ترس از دست‌دادن همان شغل حداقلی، باعث می‌شود از مطالبه حقوق خود چشم‌پوشی کنند و به شرایط ناعادلانه تن دهند.



۵. میل به استقلال

برای آن‌ها، این مشاغل که اغلب پاره‌وقت و منعطف هستند، فرصتی برای تجربه استقلال مالی است. برخی دیگر، این کار را راهی برای اثبات توانایی‌هایشان به خانواده و جامعه می‌بینند. آن‌ها می‌خواهند خود را به دیگران اثبات کنند و نشان دهند که حتی با دست خالی هم می‌توانند روی پای خود بایستند و درآمد داشته باشند. عده‌ای نیز این شغل‌ها را موقتی و پله‌ای برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر می‌دانند؛ جمع کردن سرمایه برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار کوچک یا شرکت در کلاس‌های مورد علاقه‌شان.

پیامدها و چالش‌های اشتغال در بخش غیررسمی

زندگی در اقتصاد غیررسمی، پیامدهای عمیقی بر روح و جسم این زنان بر جای می‌گذارد.

این پیامدها، دو روی سکه امید و فرسودگی را به نمایش می‌گذارند.

روی تاریک سکه: فرسودگی

• **اشتغال تنشی (آسیب‌های روانی):** کار در این بخش، یک «اشتغال تنشی» است. نگاه‌های تحقیرآمیز دیگران، درآمد ناچیز، عدم امنیت شغلی و آینده مبهم، تنش روانی زیادی برای آن‌ها پیش می‌آورد. بسیاری از آن‌ها از افسردگی، احساس انزوای عمیق و عدم امید به آینده رنج می‌برند. یکی از آن‌ها با تلخی می‌گوید: «گاهی حرف‌هایی می‌شنوم و تحقیرهایی می‌شوم که واقعاً تصمیم می‌گیرم به زندگی‌ام پایان دهم».

• **اشتغال فرسایشی (آسیب‌های جسمی):** این کار، یک «اشتغال فرسایشی» است. ساعت‌های طولانی کار سخت، بدون استراحت کافی و شرایط غیراستاندارد، جسم آن‌ها را تحلیل می‌برد. خستگی مفرط و دردهای مزمن، همراه همیشگی آن‌هاست. زنی می‌گوید: «وقتی به خانه می‌رسم، یک جنازه هستم. شب از درد خوابم نمی‌برد».

روی روشن سکه: هویتی تازه

با تمام این سختی‌ها، کار کردن هویت جدیدی به این زنان می‌بخشد.

• **کسب منزلت و استقلال:** آن‌ها دیگر فقط یک مادر یا همسر نیستند؛ بلکه فردی هستند که درآمد دارد و در اقتصاد خانواده نقش ایفا می‌کند. این استقلال مالی، به آن‌ها اعتمادبه‌نفس و منزلت اجتماعی می‌بخشد.

• **حضور در اجتماع:** کارکردن، آن‌ها را از انزوای خانه بیرون می‌کشد و به آن‌ها فرصت تعامل با دیگران و کسب تجربیات جدید را می‌دهد. آن‌ها احساس می‌کنند در جامعه «دیده می‌شوند» و دیگران روی آن‌ها حساب می‌کنند.

راهکارهای پیشنهادی:

داستان این زنان نباید به فرسودگی و محرومیت ختم شود. بر اساس تحلیل‌های عمیق و گفتگو با ده‌ها کارشناس و زن شاغل در این بخش، می‌توان یک نقشه راه سیاستی جامع و چهاربعدی برای تغییر این روایت تدوین کرد.

راهبرد اول: شبکه‌سازی

بزرگ‌ترین ضعف این زنان، پراکندگی و انزوای آنهاست. یک صدای تنها، نجواست، اما صداهای بسیار در کنار هم، قدرت چانه‌زنی خواهند داشت.

- **توصیه سیاستی:** تسهیل ایجاد نهادهای تشکیلاتی و شبکه‌های حمایتی برای زنان شاغل در بخش غیررسمی.

- **راهکارهای اجرایی:**

۱. **ایجاد اتحادیه‌ها و انجمن‌ها:** وزارت کشور و معاونت امور زنان ریاست جمهوری باید فرآیند ثبت و حمایت از تشکلهای صنفی و انجمن‌های حمایتی برای این زنان را ساده‌سازی کنند. این تشکلهای می‌توانند صدای جمعی آنها برای مذاکره با دولت و کارفرمایان باشند تا از حقوقشان دفاع کنند.

۲. **گروه‌بندی و نیازسنجی:** این زنان یک گروه یکدست نیستند. نیازهای یک فروشنده مترو با یک پرستار سالمند متفاوت است. باید بر اساس نوع شغل و سطح درآمد، گروه‌بندی شوند تا راهکارهای متناسب با هر گروه طراحی شود.

۳. **ترویج مشارکت جمعی:** از طریق رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی باید فرهنگ کار گروهی و مشارکت جمعی در میان این زنان ترویج داده شود تا از انزوای خود خارج شوند و قدرت چانه‌زنی جمعی پیدا کنند.

راهبرد دوم: بیمه‌ای برای همه؛ خدماتی گزینشی و منعطف

بسیاری از این زنان به دلیل ناتوانی در پرداخت حق بیمه کامل، از چتر حمایتی سازمان تأمین اجتماعی محروم مانده‌اند. راهکار، انعطاف‌پذیری است.

- **توصیه سیاستی:** توانمندسازی زنان برای انتخاب گزینشی خدمات بیمه‌ای متناسب با نیاز و توان مالی‌شان.

• راهکارهای اجرایی:

۱. تفکیک و تنوع‌بخشی به خدمات بیمه‌ای: سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند بسته‌های بیمه‌ای خود را از حالت «همه یا هیچ» خارج کند. باید به یک زن این امکان داده شود که مثلاً فقط بیمه درمان یا فقط بیمه بازنشستگی را با حق بیمه‌ای متناسب، انتخاب کند.

۲. گروه‌بندی و نیازسنجی: این زنان یک گروه یکدست نیستند. نیازهای یک فروشنده مترو با یک پرستار سالمند متفاوت است. باید بر اساس نوع شغل و سطح درآمد، گروه‌بندی شوند تا راهکارهای متناسب با هر گروه طراحی شود.

۳. ترویج مشارکت جمعی: از طریق رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی باید فرهنگ کار گروهی و مشارکت جمعی در میان این زنان ترویج داده شود تا از انزوای خود خارج شوند و قدرت چانه‌زنی جمعی پیدا کنند. نهادهای حمایتی تقبل و به سازمان پرداخت کنند (کاهش فشار بر زنان کارگر در بخش غیررسمی و ترغیب کارفرمایان اقتصاد پنهان به رسمی‌شدن).

راهِبرد سوم: استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی-حمایتی

درآمد این زنان ثابت و ماهانه نیست. سیستم بیمه‌ای آن‌ها نیز نباید خشک و غیرمنعطف باشد.

• توصیه سیاستی: ایجاد صندوق‌های بیمه‌ای انفرادی با سازوکار پرداخت منعطف تکمیل‌شونده با حمایت دولت

• راهکارهای اجرایی:

۱. ایجاد صندوق‌های اختصاصی: صندوق‌هایی مبتنی بر حساب‌های انفرادی ایجاد شوند که هر فرد بتواند متناسب با درآمدش، هر زمان که توانایی داشت، حق بیمه خود را پرداخت کند، بدون آنکه وقفه‌ای در سابقه بیمه‌اش ایجاد شود.

۲. تضمین حداقل مستمری توسط دولت: دولت باید تضمین کند که اگر ذخیره انباشته‌شده در حساب انفرادی یک زن در زمان بازنشستگی برای پرداخت حداقل مستمری کافی نبود، این شکاف را از محل بودجه‌های حمایتی پر کند.

۳. هدایت یارانه‌ها به سمت این صندوق‌ها: بخشی از یارانه‌های حمایتی کشور می‌تواند به این صندوق‌های اختصاصی تزریق شود تا پایداری مالی آن‌ها تضمین گردد.

راهبرد چهارم: ریشه‌ها را هدف بگیریم؛ ارتقای سرمایه‌ها و تغییر فرهنگ

راهکارهای بیمه‌ای، مسکن هستند. درمان واقعی، در توانمندسازی و تغییر شرایطی است که این زنان را به این مسیر کشانده است.

- **توصیهٔ سیاستی:** اجرای یک بسته سیاستی جامع برای ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، مهارتی و فرهنگی زنان.
- **راهکارهای اجرایی:**

۱. **ارتقای سرمایهٔ مهارتی و حقوقی:** وزارت کار و سازمان فنی و حرفه‌ای می‌توانند دوره‌های مهارت‌آموزی رایگان یا ارزان‌قیمت را در مناطق محروم گسترش دهند. هم‌زمان، کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی زنان با حقوق کار باید در مساجد و مراکز فرهنگی برگزار شود.

۲. **ارتقای سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی:** سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید با تولید محتوا، به ارزش‌گذاری کار زنان (چه در خانه و چه بیرون) و ترویج فرهنگ تقسیم وظایف در خانواده بپردازند.

۳. **بهبود شرایط اقتصادی کلان:** سیاست‌های کلان اقتصادی باید به سمت ثبات، مهار تورم و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک حرکت کنند تا فشار اقتصادی که زنان را به سمت اشتغال غیررسمی سوق می‌دهد، کاهش یابد.

سخن پایانی:

زنان شاغل در اقتصاد غیررسمی، با کمترین امکانات، بار سنگینی از اقتصاد خانواده و جامعه را به دوش می‌کشند.

آنها یک «مسئله» نیستند که باید حل شود؛ آنها یک «پتانسیل» عظیم هستند که باید شکوفا شوند.

این پژوهش که زینب مرادی‌نژاد آن را با عنوان «بررسی وضعیت مرتبط با فعالیت‌های شغلی زنان شاغل در بخش غیررسمی» در سال ۱۴۰۳ انجام داده است، به خوانندگان نشان می‌دهد که علت فعالیت اقتصادی زنان شاغل در بخش غیررسمی اقتصاد کشور چیست و این تجربه برای آنان چه پیامدهایی به دنبال داشته است. همچنین، چگونه می‌توان بین بهبود وضعیت آن‌ها و بهبود وضعیت مالی سازمان تأمین اجتماعی رابطه‌ای برقرار کرد؟ آیا پتانسیل‌رهایی سازمان از ناپایداری مالی، دست‌کم در میان‌مدت، به رهایی زنان از آسیب‌های اقتصاد غیررسمی گره نخورده است؟

خواندن نسخه اصلی و تفصیلی این پژوهش به مراجع زیر پیشنهاد می‌شود:

■ نهادهای حاکمیتی، مقننه و مجریه

■ ارکان سازمان (هیئت‌امنا، هیئت مدیره و مدیرعامل)

■ معاونت بیمه‌ای و روابط عمومی سازمان

■ رسانه‌ها و فعالان حوزه زنان

■ ارجاع به طرح پژوهشی

مرادی‌نژاد، زینب. (۱۴۰۳). بررسی وضعیت مرتبط با فعالیت‌های شغلی زنان شاغل در بخش غیررسمی {طرح پژوهشی} موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.